مجله برنامه و بودجه، شمارهٔ ۱۲، ص. ۸۳-۱۱۲.

گزارش

بررسی وضعیت توزیع درآمد در استان تهران

نویسنده: محمدرضا همائی ایانه*

چکیده

یکی از هدفهای اصلی توسعه، رهایی از چنگال فقر و ایجاد رفاه نسبی برای افراد جامعه می‌باشد. کوششهای زیادی در جهت از بین بردن فقر در کشور صورت گرفته است. نخستین گام در جهت بررسی موفقیت آمیز بودن این تلاشها، بررسی وضعیت ونحوه توزیع درآمد در بین قشرهای مختلف جامعه می‌باشد. از آنجا که استان تهران، به لحاظ وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از موقعیت خاصی در کشور برخوردار است، نحوه توزیع درآمد بین گروههای مختلف آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. نتایج حاصل از آمارگیری هزینه و درآمد خانوارها که توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، حاکی از آن است که طی دهه گذشته، توزیع درآمد براساس معیار ضریب جینی در مناطق شهری استان تهران بهبود یافته، و به طور نسبی، از توزیع درآمد در کل کشور بهتر می‌باشد، و طبقه متوسط جامعه (۴۰ درصد میانی جمعیت)، طبقه غالب جامعه شهری استان تهران را تشکیل می‌دهد. طی همین مدت، نحوه توزیع درآمد، تحت تأثیر اوضاع اقتصادی کشور بوده و در وضعیتی که تورم ناگهان زیاد می‌شود، به شدت خراب می‌شود. طبق محاسبات انجام شده بر اساس اطلاعات خام هزینه وبودجه خانوارهای شهری ۲۰ درصد پردرآمد جامعه شهری استان تهران طبقه غالب جامعه می‌باشند. گروههای درآمدی و هزینه‌ای تعریف شده در کتاب آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری، از مرکز آمار ایران، به گونه‌ای است که بیش از ۵۱ درصد نمونه‌های استان تهران در سال ۱۳۷۳، جزو گروه نهم و دهم (پردرآمدها) قرار گرفته‌اند. بنابراین، در تعریف این گروهها باید تجدیدنظر صورت گیرد و هرگونه تحلیل بر اساس نتایج حاصل از اطلاعات خام و گروهبندی نشده صورت پذیرد. فاصله بین مناطق شهری و روستایی استان تهران در سال ۱۳۷۳ فاحش نبوده و توزیع هزینه در بین دهکهای مختلف مشابه همدیگر است. هزینه مسکن، سهم زیادی را از کل هزینه خانوارهای شهری و روستایی استان تهران را به خود اختصاص داده، و طبقه متوسط و پردرآمد استان، همگن‌تر از طبقه کم‌درآمد آن می‌باشد.

*کارشناس سازمان برنامه و بودجه استان تهران

مقدمه

پدیده فقر، از مهمترین معضلات کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌رود که آثار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن در جامعه قابل تعمق است. نخستین گام در جهت شناسایی و رفع این معضل، بررسی نحوه توزیع درآمد در میان طبقات مختلف جامعه وخصوصیات گروههای درآمدی می‌باشد. پس از پایان جنگ تحمیلی، سیاستهای اقتصادی کشورمان نیز تغییر کرد و برنامه اول توسعه، با هدف تعدیل اقتصادی در کشور، تدوین و اجرا گردید. طی این سالها، سرمایه گذاریهای کلانی صورت گرفت و صنایع بزرگ و زیربنایی فراوانی به بهره‌برداری رسید. در اینجا، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که منافع ناشی از رشد اقتصادی کشور، چگونه بین افراد جامعه تقسیم شده است. اگر هدف از اقدامات انجام شده، اعتلای مادی و معنوی و افزایش رفاه افراد جامعه باشد، بررسی نحوه توزیع درآمد، میزان بهره‌مندی خانوارها و گروههای مختلف جامعه از نتایج برنامه‌های اجرا شده را مشخص می‌کند.

در این مقاله می‌کوشیم تا توزیع درآمد درمناطق شهری و روستایی استان تهران را بررسی و تحلیل نماییم. این بررسی به دو صورت انجام خواهد شد : ۱) بررسی روند توزیع درآمد در مناطق شهری استان تهران که در آن از اطلاعات منتشر شده مرکز آمار ایران در مورد هزینه خالص خانوارها استفاده می‌کنیم. ۲) بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی استان تهران در سال ۱۳۷۳ که بر اساس اطلاعات هزینه ناخالص خانوارها، تحلیل می‌نماییم. شاخصهای مورداستفاده دراین مقاله، عبارتنداز : ضریب جینی، سهم ۴۰٪ خانوارهای‌دارای درآمدپایین‌ازکل هزینه خانوارها،سهم ۴۰٪خانوارهای بادرآمدمتوسط،سهم ۲۰٪خانوارهای‌پردرآمدوسهم‌دهکهای هزینه‌ای ازکل هزینه خانوارها، فاصله طبقاتی و نسبت هزینه سرانه در مناطق شهری به روستایی.

از آنجا که خانوارها تمایلی به اعلام میزان درآمد خود ندارند، به کارگیری هزینه خانوار نتایج دقیقتری را در بررسی به دنبال دارد. در این مقاله نیز به این نکته توجه شده است.

ضریب جینی، بر اساس فرمول زیر، محاسبه گردیده است :

فرمول میلر $G = 1 - \sum (p_{i+1} - p_i)(y_{i+1} + y_i)$ و $0 \leq G \leq 1$

p_i = سهم تجمعی خانوار یا گروه i ام هزینه‌ای

y_i = سهم تجمعی هزینه خانوار یا گروه i ام ازکل هزینه‌ها

نتایج حاصل از اندازه گیری شاخصهای توزیع درآمد در استان تهران

دراین مرحله، شاخصهای یاد شده را اندازه می‌گیریم و نتایج آن را به دو صورت ارائه می‌نماییم: اول بررسی روند شاخصها و دوم بررسی وضع موجود در سال ۱۳۷۳.

۱. بررسی روند شاخصهای مختلف توزیع درآمد در استان تهران و مقایسه آن با کل کشور

در این قسمت، روند شاخصهای ضریب جینی، سهم ۴۰ درصد کم درآمد، با درآمد متوسط و پردرآمد و نیز شاخص فاصله طبقاتی (بررسی دهکها)، برای مناطق شهری طی سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ ارائه می‌شود. متأسفانه آمار مناطق روستایی استان تهران، تنها برای سال ۱۳۷۳ وجود دارد، بدین‌روی، روند آن قابل بررسی نیست.

۱-۱. بررسی روند ضریب جینی مناطق شهری استان تهران

جدول ۱، روند تغییرات ضریب جینی را در مناطق شهری استان تهران نشان می‌دهد. مطابق جدول ۱، طی یک دهه، وضعیت توزیع درآمد در استان تهران بهتر شده است. همین نکته در مورد کل کشور نیز صادق است. اما طبق ستون آخر جدول، وضعیت بهبود توزیع درآمد در استان تهران بهتر از کل کشور می‌باشد. توزیع درآمد در استان تهران، طی دهه ۱۳۷۰ و به‌ویژه ۱۳۷۱، بهبود چشمگیری داشته است. لیکن در سال ۱۳۷۲، افزایش قابل ملاحظه‌ای در ضریب جینی استان تهران مشاهده می‌شود. در این سال، تورم رشد سریعتری نسبت به سالهای پیش از آن داشته است. حجم وسیع عملیات مالی دولت، رشد سریع نقدینگی، اصلاح ساختار قیمتها و یکسان‌سازی نرخ ارز (و حذف نرخ دولتی) از مهمترین عوامل فشار بر سطح عمومی قیمتها و تورم بوده است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، ص. ۲۳). از آنجا که وضعیت تورمی سال ۱۳۷۲، از عوامل مؤثر بر بدتر شدن توزیع درآمد در استان تهران بوده، پس در صورت تکرار این وضعیت و به‌وجود آمدن تورم سریع، بار دیگر توزیع درآمد نامتعادل‌تر می‌شود این وضعیت در سال ۱۳۷۴ نیز پیش آمد.

از آنجا که در سال ۱۳۷۲، واکنش استان تهران در برابر تورم بسیار شدیدتر از کل کشور بوده، می‌توان انتظار داشت که در سال ۱۳۷۴ نیز وضعیت توزیع درآمد در این استان نسبت به کل کشور

واکنش بیشتری نشان داده و ضریب جینی آن رشد بیشتری داشته باشد (در صورت انتشار نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۴ می‌توان صحت این موضوع را آزمود).

جدول ۱. مقایسه روند ضریب جینی در مناطق شهری استان تهران و کل کشور (محاسبه شده بر اساس فرمول میلر)

سال	۱۳۶۴	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	اختلاف ضریب جینی سال ۷۳ از سال ۶۴
۱. ضریب جینی مناطق شهری استان تهران	۰/۳۸۰۴	۰/۳۴۵۸	۰/۳۰۱۶	۰/۳۵۹۰	۰/۳۳۱۹	-۰/۰۴۸۵
۲. ضریب جینی مناطق شهری کل کشور	۰/۴۲۱۵	۰/۴۱۳۲	۰/۳۸۳۷	۰/۳۹۶۴	۰/۳۷۷۶	-۰/۰۴۳۹
۳. تفاوت ضریب جینی استان تهران از کل کشور (۲ - ۱ = ۳)	-۰/۰۴۱۱	-۰/۰۶۷۴	-۰/۰۸۲۱	-۰/۰۳۷۴	-۰/۰۴۵۷	

مآخذ: محاسبه براساس مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ الف؛ و استفاده از فرمول محاسبه ضریب جینی که در متن توضیح داده‌ایم.

سطر سوم جدول ۱، نشان می‌دهد که همواره وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان تهران بهتر از کل کشور بوده است. اوج این فاصله، در سال ۱۳۷۱ می‌باشد، که ضریب جینی مناطق شهری استان تهران ۰/۰۸۲ کمتر از کل کشور بوده و کمترین فاصله نیز مربوط به سال ۱۳۷۲ است، که فاصله به ۰/۰۳۷ می‌رسد. این فرضیه که استان تهران از توزیع درآمد متعادلتری نسبت به کل کشور برخوردار است، قابل تأمل است. این تأمل به نحوه آمارگیری، تعریف گروههای هزینه‌ای و پراکندگی خانوارها در گروههای هزینه‌ای، بر می‌گردد. با دقت به جدول ۲، این موضوع روشن می‌شود. در سال ۱۳۶۴، هر خانوار شهری با هزینه ماهانه ۲۰۰۰۰ تومان، در گروه دهم یعنی خانوارهای پردرآمد قرار می‌گرفته است. در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱، این رقم به ۳۵۰۰۰ تومان و در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، به رقم ۷۵۰۰۰ تومان می‌رسد. طی سال ۱۳۷۳، کم درآمدترین افراد (گروه اول) حداکثر هزینه خالص ماهانه‌ای معادل ۶۲۵۰ تومان، و گروه دوم، هزینه خالصی

جدول ۲. دامنه گروههای هزینه‌ای و درصد پراکندگی خانوارها در هر گروه هزینه‌ای در استان تهران و کل کشور

شماره گروه هزینه‌ای	دامنه گروههای هزینه‌ای در سال (ریال)			درصد پراکندگی خانوارهای هر گروه هزینه‌ای در مناطق شهری									
	سال ۱۳۶۴	سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱	سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳	۱۳۶۴		۱۳۷۰		۱۳۷۱		۱۳۷۲		۱۳۷۳	
				استان تهران	کل کشور	استان تهران	کل کشور	استان تهران	کل کشور	استان تهران	کل کشور	استان تهران	کل کشور
۱	کمتر از ۱۲۰۰۰۰	از ۴۸۰۰۰۰	تا ۷۵۰۰۰۰	۱/۴	۳/۱	۱/۶	۵/۳	۰/۸	۳	۱/۷	۴/۲	۱	۲/۲
۲	۱۲۰۰۰۱ تا ۲۴۰۰۰۰	۴۸۰۰۰۱تا ۹۰۰۰۰۰	۷۵۰۰۰۱تا ۱۲۰۰۰۰۰	۱/۸	۵	۲/۹	۸/۸	۲/۶	۶/۱	۲/۳	۵	۰/۵	۲/۱
۳	۲۴۰۰۰۱ تا ۳۶۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۱تا ۱۲۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۱تا ۱۸۰۰۰۰۰	۳/۲	۶/۸	۴/۲	۸/۲	۲/۲	۵/۸	۴/۶	۹/۹	۱/۸	۴/۸
۴	۳۶۰۰۰۱ تا ۴۸۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۱تا ۱۸۰۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰۱تا ۲۴۰۰۰۰۰	۳/۲	۷/۸	۱۱/۵	۱۸/۶	۹/۵	۱۵	۷/۱	۱۲	۳/۴	۶/۸
۵	۴۸۰۰۰۱تا ۶۰۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰۱تا ۲۴۰۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۱تا ۳۲۰۰۰۰۰	۵	۸/۱	۱۴/۶	۱۵/۹	۱۱/۵	۱۴/۵	۱۲/۲	۱۵/۸	۶/۷	۱۱/۲
۶	۶۰۰۰۰۱تا ۹۰۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۱تا ۲۸۰۰۰۰۰	۳۲۰۰۰۰۱تا ۴۰۰۰۰۰۰	۱۴/۸	۱۹	۱۰/۳	۸/۷	۷/۷	۸/۸	۱۱/۸	۱۲/۷	۹/۴	۱۱/۸
۷	۹۰۰۰۰۱تا ۱۲۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۱تا ۳۲۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۱تا ۵۰۰۰۰۰۰	۱۴/۹	۱۴/۵	۸/۳	۶/۷	۶/۹	۷	۱۳/۵	۱۲/۱	۱۰/۶	۱۲/۴
۸	۱۲۰۰۰۰۱تا ۱۸۰۰۰۰۰	۳۲۰۰۰۰۱تا ۳۶۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۱تا ۶۵۰۰۰۰۰	۲۳/۳	۱۷/۸	۸/۱	۵/۱	۶/۲	۵/۹	۱۷/۶	۱۲	۱۶/۴	۱۵/۲
۹	۱۸۰۰۰۰۱تا ۲۴۰۰۰۰۰	۳۶۰۰۰۰۱تا ۴۲۰۰۰۰۰	۶۵۰۰۰۰۱تا ۹۰۰۰۰۰۰	۱۲/۵	۸/۱	۱۰/۲	۶/۲	۷/۴	۷/۲	۱۲/۸	۷/۶	۱۹/۳	۱۵
۱۰	۲۴۰۰۰۰۱ وبیشتر	۴۲۰۰۰۰۱ و بیشتر	۹۰۰۰۰۰۱ و بیشتر	۱۹/۸	۹/۸	۲۸/۴	۱۶/۵	۴۵/۲	۲۶/۷	۱۶/۴	۷/۶	۳۰/۸	۱۸/۵
				۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مآخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ الف.

حداکثر معادل ۱۰۰۰۰ تومان در ماه داشته‌اند. با اینکه این ارقام در کل کشور می‌تواند معنی‌دار باشد، در مورد استان تهران، موضوع کمی فرق می‌کند. در سال ۱۳۷۳ به نظر می‌رسد که بسیاری از مشاغل شهری استان تهران درآمد ماهانه‌ای بیش از ۵۰۰۰۰ تومان داشته‌اند. یعنی این افراد در گروه نهم ودهم قرار می‌گیرند. با توجه به دو ستون آخر جدول ۲، متوجه می‌شویم که حدود ۵۲ درصد از خانوارهای نمونه گیری شده استان تهران، جزو گروه نهم و دهم هزینه‌ای هستند که البته با توجه به شواهد عینی جامعه، نمی‌توان مدعی بود که بیشتر از نصف خانوارهای استان تهران پردرآمد هستند. چهار گروه اول هزینه‌ای مناطق شهری استان تهران در سال ۱۳۷۳ که جزو کم‌درآمدها به‌شمار می‌روند، در مجموع، حدود ۶/۷ درصد از کل نمونه‌ها را تشکیل می‌دهند.

جدول ۳. پراکندگی نمونه‌ها در گروههای هزینه‌ای استان تهران در سال ۱۳۷۳

سال ۱۳۷۳	۴ گروه اول	۴ گروه وسط	۲ گروه آخر
سهم خانوار هر طبقه از کل خانوارهای نمونه	٪ ۶/۷	٪ ۴۳/۲	٪ ۵۰/۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۴ الف.

با توجه به جدول ۳ می‌توان انتظار داشت که در جامعه آماری با این پراکندگی نمونه، توزیع درآمد نسبتاً عادلانه صورت گرفته باشد. شاید به همین دلیل است که ضریب جینی مناطق شهری استان تهران در سال ۱۳۷۳، رقم ۰/۳۳ شده است که نسبت به کل کشور نیز وضعیت بهتر و عادلانه‌تری را دارد. طبق ستون سوم و چهارم جدول ۲، در سال ۱۳۷۲، گروههای هزینه‌ای فرق کرده‌اند. همین امر سبب شده تا توزیع پراکندگی نمونه‌ها نسبتاً متعادل شود. اما چون هزینه‌ها و درآمدها در استان تهران با بقیه نقاط کشور تفاوت داشته و از میانگین بالاتری نسبت به سایر مناطق برخوردار است، در سال ۱۳۷۳ به شدت سهم خانوارهای نمونه گیری شده هر گروه هزینه‌ای جابه جا شده و یک توزیع پراکندگی بهنجار (نرمال) وجود ندارد.

با توجه به موارد فوق، لازم است که در طبقه‌بندی گروههای هزینه‌ای دهگانه و حد پایین و بالای هزینه هر گروه برای سال ۱۳۷۴، یک تجدیدنظر اساسی صورت گیرد، چون تنها در این

صورت است که می‌توان به نتایج حقیقی و واقعی رسید. با توجه به شکل ۱، که نشانگر منحنی لورنز مناطق شهری استان تهران در سال ۱۳۷۳ است، دیده می‌شود که در گروههای هزینه‌ای استان، فاصله بین دو گروه نهم و دهم بسیار زیاد است. از آنجا که در فرمول میلر برای محاسبه ضریب جینی از اطلاعات گروهبندی شده بهره گرفته و فاصله بین هر دو نقطه خط مستقیم است، بنابراین، برای سال ۱۳۷۳، مقدار مساحت S در محاسبه ضریب جینی وارد نشده و مقدار ۰/۳۳۱۹ برای ضریب جینی دارای کم شماری است و رقم واقعی باید بیشتر از این باشد. بنابراین، بهتر است در نحوه گروهبندی هزینه و درآمد خانوارهای شهری استان تهران دقت بیشتری نمود و گروههای هزینه‌ای را با توجه به واقعیات تنظیم کرد تا به پاسخهای قابل اعتمادی برسیم.

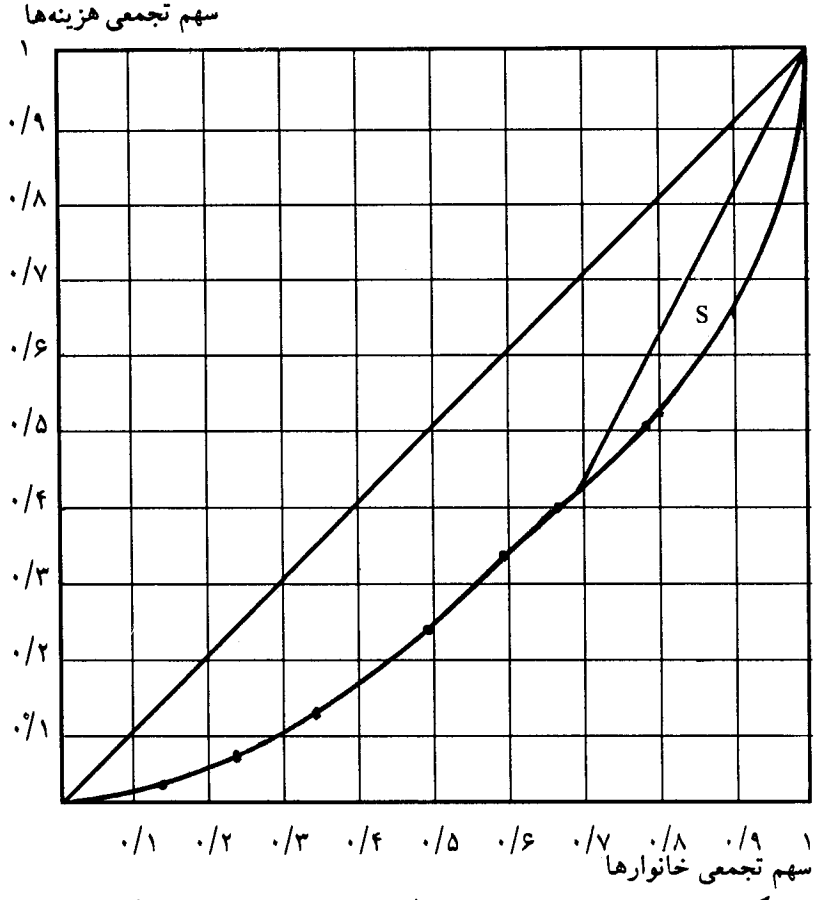

شکل ۱. نمودار ضریب جینی در مناطق شهری استان تهران در سال ۱۳۷۳

۱-۲. بررسی روند توزیع درآمد در گروههای عمده هزینه‌ای

با توجه به مطالب قسمت قبل، متوجه می‌شویم که ضریب جینی محاسبه شده، از دقت کافی برای نشان دادن وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان تهران برخوردار نیست. با معلوم بودن تعداد خانوار موجود در هر گروه هزینه‌ای و نیز متوسط هزینه خالص خوراکی و غیرخوراکی هر گروه، می‌توان اطلاعات را دهک‌بندی کرد. یعنی جمع خانوارهای نمونه را تقسیم بر ده کنیم تا سهم هر دهک از خانوارها معلوم شود. سپس مشخص می‌شود که تعداد خانوارهای چند گروه تشکیل یک دهک را می‌دهند. در مرحله بعد، هزینه کل هر دهک از ضرب کردن تعداد خانوار هر گروه در متوسط هزینه خالص آن گروه و جمع کردن آنها تا رسیدن به تعداد خانوار هر دهک، محاسبه می‌شود.

در جدول ۴، سهم ۴۰٪ خانوارهای کم درآمد، سهم ۴۰٪ متوسط و ۲۰٪ پردرآمد را از کل هزینه‌ها مشاهده می‌کنید. در محاسبه دهکها، از متوسط هزینه خالص هر گروه هزینه‌ای استفاده شده است. همین امر تا حدودی، مشکلی را که در محاسبه ضریب جینی مطرح شد، تکرار می‌کند. بنابراین، بهتر است که اطلاعات خام هزینه خانوارها، به ترتیب، از نزولی به صعودی مرتب شده، آنگاه دهک‌بندی انجام شود تا نتایج دقیق باشد. این عمل در مورد اطلاعات سال ۱۳۷۳ انجام شده که در مراحل بعدی به آن خواهیم رسید.

در مناطق شهری استان تهران، طی دهه گذشته، سهم ۴۰ درصد خانوارهای متوسط جامعه اگرچه نوسانهایی داشته است، اما از ۳۰٪ در سال ۱۳۶۴ به ۴۵٪ در سال ۱۳۷۳ رسیده است. طی این مدت، سهم ۴۰٪ خانوارهای کم‌درآمد مقدار اندکی افزایش یافته و سهم ۲۰٪ خانوارهای پردرآمد کم شده است. بنابراین، بر اساس نتایج حاصل از نمونه گیری انجام شده می‌توان انتظار داشت که طبقه متوسط در مناطق شهری استان تهران، عمده‌ترین گروه را تشکیل بدهند و توزیع درآمد از درصدهای تقریباً خوبی برخوردار باشد. گفتنی است که به‌رغم بهبودی که در وضعیت توزیع درآمد مشاهده می‌شود، هنوز هم بیش از $\frac{1}{3}$ هزینه‌ها مربوط به $\frac{1}{5}$ از خانوارها می‌شود، و لیکن چون اقشار متوسط نیمی از هزینه‌ها را دارند، می‌توان گفت توزیع درآمد نسبتاً خوب است.

نکته دیگر اینکه مطابق نتایج حاصل از نمونه گیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری، استان تهران نسبت به کل کشور از وضعیت متعادلتری برخوردار است. در کل کشور هم با اینکه از سهم خانوارهای پردرآمد کاسته شده، ولی این کاهش محسوس نبوده و از ۴۷٪ در سال ۱۳۶۴ به ۴۴٪

در سال ۱۳۷۳ رسیده است. در این بین، سهم خانوارهای متوسط کل کشور تقریباً ثابت مانده و این خانوارها سهم کمتری از هزینه را نسبت به پردرآمدها به خود اختصاص داده‌اند. یعنی در حالی که در کل کشور بیشترین سهم هزینه متعلق به پردرآمدهاست، در استان تهران، طبقه متوسط بیشترین هزینه را داشته است.

جدول ۴. روند سهم گروههای عمده هزینه‌ای در مناطق شهری

		۱۳۶۴	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
سهم ۴۰٪ خانوارهای کم‌درآمد	استان تهران	۱۵/۹۹	۱۷/۴۲	۱۶/۷۹	۱۷/۳۷	۱۷/۸۷
	کل کشور	۱۴/۵۶	۱۴/۶۲	۱۵/۲۲	۱۶/۵۱	۱۶/۵۲
سهم ۴۰٪ خانوارهای متوسط	استان تهران	۳۰/۱	۴۳/۵۸	۵۱/۴۲	۳۹/۱۸	۴۵/۰۱
	کل کشور	۳۸/۱	۳۷/۲۴	۴۲/۸۲	۳۸/۸۷	۳۹/۲۱
سهم ۲۰٪ خانوارهای پردرآمد	استان تهران	۴۵/۹۴	۳۹	۳۱/۷۸	۴۳/۴۵	۳۷/۱۳
	کل کشور	۴۷/۳۴	۴۸/۱۵	۴۱/۹۶	۴۴/۶۲	۴۴/۲۷

مآخذ: محاسبه شده بر اساس مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ الف.

نکته قابل تأمل دیگر، وضعیت سال ۱۳۷۱ است. طی دوره مورد بررسی، سال ۱۳۷۱ در مناطق شهری استان تهران پردرآمدها و کم‌درآمدها کمترین سهم از مجموع هزینه‌ها و طبقه متوسط تقریباً ۵۱/۵٪ از هزینه‌ها را به خود اختصاص داده است. سال ۱۳۷۱، سالی است که سیاستهای آزادسازی دولت در اوج خود بوده و بازارهای داخلی انباشته از انواع کالاهای داخلی و

خارجی بوده است، و هنوز ارز به نرخ رسمی ارائه می‌شده و مشکلاتی که از سال ۱۳۷۲ به بعد پیش آمد، دیده نمی‌شده است. همین امر باعث شده که در نمونه گیری انجام شده در مناطق شهری، نتایج طوری باشد که ضریب جینی حداقل مقدار خود طی سالهای مختلف را نشان دهد (G = ۰/۳۰۰) و طبقه متوسط جامعه، بیشترین درصد از هزینه‌ها را به خود اختصاص دهند، و در مجموع، نسبت به سالهای مورد بررسی، متعادلترین حالت توزیع درآمد در استان تهران مربوط به سال ۱۳۷۱ می‌باشد.

۱-۳. روند شاخص فاصله طبقاتی و سهم دهکهای هزینه‌ای در استان تهران

سهم دهکهای هزینه‌ای، وضعیت توزیع درآمد در جامعه را با وضوح بیشتری نشان می‌دهد. سطر اول جدول ۵، نشاندهنده فاصله طبقاتی بین پردرآمدترین و کم‌درآمدترین اقشار جامعه شهری می‌باشد. در سال ۱۳۶۴، ده درصد خانوارهای پردرآمد جامعه شهری استان تهران ۱۶/۳ برابر ده درصد خانوارهای کم‌درآمد مصرف داشته‌اند. این رقم در سال ۱۳۷۳ به ۸/۷ برابر رسیده و مبین کم شدن فاصله طبقاتی طی دهه گذشته است. روند این نسبت، نشان می‌دهد که کمترین فاصله در استان تهران مربوط به سال ۱۳۷۱ است که پردرآمدها ۷/۳ برابر کم‌درآمدها مصرف داشته‌اند و تا آن زمان ما شاهد یک روند نزولی و رو به بهبود هستیم. در سال ۱۳۷۲، ناگهان این فاصله زیاد شده و در سال ۱۳۷۳ بار دیگر بهبود یافته است. در مجموع، به نظر می‌رسد که استان تهران در مناطق شهری و طبق نمونه گیری انجام شده، از اختلاف طبقاتی کمتری نسبت به کل کشور برخوردار است، نکته شایان توجه این است که در کل کشور، برخلاف استان تهران که این نسبت دارای نوسان بوده، شاهد یک روند تقریباً نزولی هستیم. یعنی مطابق این آمار، در کل کشور نیز فاصله بین پردرآمدها و کم‌درآمدها کمتر شده است و این کمتر شدن فاصله طی ۱۰ سال گذشته از یک روند ثابت برخوردار بوده است.

روند سهم دهکهای مختلف نیز نکات جالبی را نشان می‌دهد. طی دهه ۱۳۶۴-۱۳۷۳، روند سهم دهک اول از کل هزینه مقدار کمی اضافه شده، منتهی در مناطق شهری استان تهران این سهم، هم بیشتر از کل کشور است، هم اینکه رشد بیشتری داشته است. روند سهم دهک دوم در کل هزینه خانوارهای مناطق شهری استان تهران تقریباً ثابت مانده است، در حالی که در کل کشور رشد ناچیزی را نشان می‌دهد، با این حال، سهم دهک دوم استان تهران نیز بیشتر از کل کشور است.

جدول ۵. سهم دهکهای مختلف از کل هزینه مناطق شهری در استان تهران و کل کشور

	۱۳۶۴		۱۳۷۰		۱۳۷۱		۱۳۷۲		۱۳۷۳	
	استان تهران	کل کشور	استان تهران	کل کشور	استان تهران	کل کشور	استان تهران	کل کشور	استان تهران	کل کشور
نسبت ده درصد پردرآمد به ده درصد کم‌درآمد (فاصله طبقاتی)	۱۶/۳	۲۸/۲	۱۰/۷	۲۵/۰	۷/۳	۱۶/۸	۱۱/۵	۱۷/۹	۸/۷	۱۴/۹
سهم دهک اول (کم‌درآمدترین)	۱/۴	۱/۱	۱/۸	۱/۱	۲/۲	۱/۲	۲/۱	۱/۶	۲/۱	۱/۶
سهم دهک دوم	۳/۹	۳/۱	۴	۳/۳	۳/۸	۳/۷	۴/۱	۳/۷	۴/۱	۳/۹
سهم دهک سوم	۴/۵	۴/۳	۵/۴	۵	۴/۸	۴/۳	۵	۴/۹	۵/۲	۵
سهم دهک چهارم	۶/۲	۶/۱	۶/۲	۵/۳	۶	۶	۶/۲	۶/۳	۶/۵	۶
سهم دهک پنجم	۷/۶	۶/۳	۷/۲	۷/۲	۷/۴	۶/۸	۷/۶	۷/۱	۷/۱	۷/۳
سهم دهک ششم	۸/۷	۸/۷	۸/۴	۸	۱۲/۲	۸/۲	۹/۱	۸/۵	۹/۳	۹/۱
سهم دهک هفتم	۹/۵	۱۰/۷	۹/۹	۹/۸	۱۵/۹	۱۰/۲	۹/۸	۱۰/۴	۱۰/۱	۱۰/۴
سهم دهک هشتم	۱۲/۳	۱۲/۳	۱۷/۹	۱۲/۲	۱۵/۹	۱۷/۷	۱۲/۷	۱۲/۸	۱۸/۶	۱۲/۴
سهم دهک نهم	۲۲/۸	۱۶/۳	۱۹/۵	۲۱/۹	۱۵/۹	۲۱	۱۹/۸	۱۶/۱	۱۸/۶	۲۰/۲
سهم دهک دهم (پردرآمدترین)	۲۳/۱	۳۱/۰	۱۹/۵	۲۶/۳	۱۵/۹	۲۱	۲۳/۷	۲۸/۵	۱۸/۶	۲۴/۱

مآخذ: محاسبه شده بر اساس مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ الف.

روند سهم دهک سوم استان تهران از کل هزینه‌ها بیشتر شده، ولی دهک چهارم تقریباً سهمش ثابت مانده است. با توجه به سهم چهار دهک اول مناطق شهری استان تهران، متوجه می‌شویم که روند رشد سهم ۴۰٪ خانوارهای کم درآمد استان از کل هزینه‌ها طی دهه گذشته (جدول ۴) ناشی از افزایش سهم دهک اول و سوم می‌باشد. پس در مجموع به نظر می‌رسد که خانوارهای دهک اول هزینه‌ای استان تهران که جزو کم درآمدترین افراد جامعه هستند، طی دهه گذشته تا حدودی وضعشان بهتر شده است.

روند سهم دهک پنجم استان تهران تقریباً ثابت بوده (مقدار ناچیری کم شده) ولیکن دهکهای ششم و هفتم و هشتم روندی تقریباً صعودی داشته‌اند. پس افزایش سهم ۴۰٪ خانوارهای متوسط جامعه شهری استان تهران به خاطر رشد دهکهای ششم تا هشتم، و به‌ویژه رشد دهک هشتم می‌باشد (از ۱۲/۳ درصد در سال ۱۳۶۴ به ۱۸/۶ درصد در سال ۱۳۷۳). خانوارهای متوسط جامعه در مرزی که به خانوارهای کم درآمد نزدیک است (دهک پنجم) مقدار ناچیزی از سهم خود را از دست داده‌اند، ولی در مرزی که با خانوارهای پردرآمد دارند (دهک هشتم) بیشترین رشد سهم در بین تمامی دهکها را دارا هستند، یعنی بهبود وضعیت طبقه متوسط جامعه شهری استان تهران به دلیل خانوارهایی است که از امکانات بیشتری برخوردارند و به پردرآمدها بیشتر نزدیک هستند. پس با رشد چنین طبقه متوسطی نمی‌توان مدعی شد که تحول چشمگیری در بهبود وضعیت توزیع درآمدی حاصل شده است.

روند سهم دهک نهم استان کاهش داشته است. سهم دهک دهم استان تهران از کل هزینه‌ها تا سال ۱۳۷۱ روندی کاملاً نزولی داشته و از ۲۳/۱ درصد در سال ۱۳۶۴ به ۱۵/۹ درصد در سال ۱۳۷۱ رسیده است. لیکن در سال ۱۳۷۲ ناگهان این سهم زیاد شده و در سال ۱۳۷۳ بار دیگر کم شده است. از آنجا که استان تهران، و به‌ویژه شهر تهران، ساختار تولیدی و مصرفی خاصی دارد و قسمت قابل توجهی از بخش خدمات و صنعت کشور را در خود جای داده است ، به نظر می‌رسد که تورم سریع سال ۱۳۷۲ بر پردرآمدترین افراد اثر بیشتری گذاشته و این افراد توانسته‌اند از این تکانه وارد شده بربازار، حداکثر بهره‌برداری را بکنند و سهم شایانی از درآمد را در این سال کسب کنند. البته لازم به یادآوری است که در کل کشور، به طور متوسط سهم دهکهای نهم و دهم مناطق شهری در طی دهه گذشته از سهم همین دهکها در استان تهران بیشتر بوده است. یعنی به نظر می‌رسد که استان تهران در مجموع از وضعیت توزیع درآمدی نسبتاً بهتری نسبت به کل کشور برخوردار است.

۲. بررسی وضعیت توزیع درآمد مناطق شهری و روستایی استان تهران در سال ۱۳۷۳

تا اینجا، روند شاخصهای مختلف در مناطق شهری استان مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که طی سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۳، حجم نمونه مناطق روستایی استان تهران در حدی نبوده که نتایج هزینه‌ها و درآمد خانوارهای روستایی قابل تعمیم به کل جامعه روستایی استان باشد، از روند وضعیت توزیع درآمد در این مناطق اطلاعاتی در دسترس نیست. اما در مورد سال ۱۳۷۳ دو نوع اطلاعات موجود می‌باشد:

۱) اطلاعات نشریه *آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار سال ۱۳۷۳*، که در آن اطلاعات بر اساس گروههای عمده هزینه خالص (هزینه ناخالص منهای فروش دست دوم) وجود دارد. از آنجا که توزیع پراکندگی نمونه‌های این آمارگیری و دامنه تغییرات گروههای هزینه‌ای تعریف شده در آن، به گونه‌ای بوده که بیش از ۵۰ درصد نمونه‌ها در گروه نهم و دهم (گروههای بالای درآمدی) جای داشته‌اند، نتایج به دست آمده، از دقت کمتری برخوردار می‌باشد.

۲) اطلاعات خام هزینه خانوار[1]، که در آن نمونه‌ها، به ترتیب، از کم هزینه‌ترین تا پرهزینه‌ترین مرتب و دهک‌بندی شده‌اند. این اطلاعات بر اساس هزینه ناخالص خانوار بوده و نتایج حاصل از محاسبه شاخصها بر این اساس از دقت بیشتری نسبت به اطلاعات نشریه آماری، برخوردار است.

ابتدا نتایج محاسبه شاخصهای مختلف توزیع درآمد بر اساس اطلاعات گروه هزینه ناخالص خانوارها در مناطق شهری و روستایی و سپس براساس هزینه سرانه هر نفر در دهکهای مختلف، سهم انواع هزینه‌های خوراکی (نان، گوشت، سبزی و جز اینها) و هزینه‌های غیرخوراکی (پوشاک، مسکن و جز اینها) در مناطق شهری و روستایی را بررسی می‌نماییم.

۲-۱. بررسی شاخصهای مختلف توزیع درآمد در سال ۱۳۷۳

با توجه به جدول ۶، نتایج زیر به‌دست می‌آید:

۱) ضریب جینی یا میزان نابرابری در توزیع درآمد که در مناطق روستایی استان تهران در سال ۱۳۷۳ کمی بیشتر از مناطق شهری آن می‌باشد. همین موضوع در مورد کل کشور نیز صادق است،

---

۱. براساس داده‌های واحد اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران.

لیکن استان تهران، به‌ویژه در مناطق روستایی از وضعیت توزیع درآمدی بهتری نسبت به کل کشور برخوردار است.

۲) توزیع درآمد در بین خانوارهای کم درآمد، متوسط و پردرآمد در مناطق شهری و روستایی استان تهران، در سال ۱۳۷۳، تقریباً یکسان است (قسمت "ب" از جدول ۶) . البته خانوارهای کم‌درآمد (۴۰٪ اول هزینه‌ای) مناطق شهری و روستایی استان تهران، سهم بیشتری نسبت به خانوارهای مشابه در کل کشور دارند (به‌ویژه در مناطق روستایی).

نکته قابل تأمل در این قسمت، از مقایسه ستون آخر جدول ۴ و قسمت "ب" جدول ۶ ناشی می‌شود . طبق آمار گروههای هزینه‌ای خالص در کتاب *هزینه و درآمد خانوارهای شهری*، طبقه متوسط در استان تهران (۴۰٪ میانی) حدود ۴۵٪ از کل هزینه‌ها را به خود اختصاص داده و طبقه عمده و غالب جامعه بوده‌اند (جدول ۴). در حالی که بر اساس اطلاعات دهک‌بندی شده هزینه ناخالص که از مرکز آمار دریافت گردیده، این ۲۰٪ خانوارهای پردرآمد جامعه هستند که بیشترین هزینه را انجام داده و در مناطق شهری ۴۴/۲٪ از کل هزینه‌ها را داشته‌اند. این اختلاف در نتیجه گیری، مبین آن است که گروه دهم هزینه‌ای در استان تهران (۹۰۰۰۰۰۱ ریال و بیشتر)، یعنی گروه خانوارهایی که در ماه بیش از ۷۵۰۰۰ تومان هزینه داشته‌اند، گروه ناهمگنی است و در آن خانوارهایی که هزینه ماهانه‌ای به مراتب بیشتر از ۷۵۰۰۰ تومان دارند ، فراوان است. بنابراین، تعریف گروههای هزینه‌ای برای استان تهران به گونه‌ای است که خانوارهای متوسط این استان جزو گروههای پر درآمد کشور طبقه‌بندی می‌شوند[1]. بنابراین، ضروری است که در طبقه‌بندی گروههای هزینه‌ای واقعیات روز در نظر گرفته شود تا نتایج بررسیهای انجام شده در این زمینه گمراه کننده نباشند.

---

۱. در تهران، متوسط هزینه زندگی (خوراک ، مسکن ، حمل و نقل و جز اینها) بیشتر از سایر نقاط کشور می‌باشد. بنابراین، خانوارهایی که در تهران جزو طبقه متوسط هستند، شاید اگر در بسیاری از مناطق دیگر کشور زندگی می‌کردند، جزو طبقه پردرآمد به شمار می‌آمدند، ولیکن احتمالاً در آن مناطق دیگر به اندازه تهران درآمد نیز نداشته باشند.

در حالی که متوسط هزینه خوراکی و غیرخوراکی سالانه یک خانوار شهری در کل کشور، طی سال ۱۳۷۳، معادل ۶/۲۴۲ میلیون ریال بوده، متوسط هزینه سالانه یک خانوار شهری در استان تهران ۸/۲۲۸ میلیون ریال است که بین ۲۵ استان کشور بالاترین مبلغ هزینه بوده و استان کرمان با ۷/۳۶۸ میلیون ریال و اردبیل با ۶/۸۱۹ میلیون ریال و هرمزگان با ۶/۷۸۲ میلیون ریال رتبه‌های دوم تا چهارم را دارا می‌باشند (نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری ۱۳۷۳ـ مرکز آمار ایران).

جدول ۶. شاخصهای مختلف توزیع درآمد در سال ۱۳۷۳

شاخص	مناطق شهری		مناطق روستایی	
	استان تهران	کل کشور	استان تهران	کل کشور
الف) ضریب جینی	۰/۳۶۵۵	۰/۳۸۸۲	۰/۳۷۴۶	۰/۴۲۱۸
ب) سهم ۴۰٪ کم درآمد	۱۷/۹	۱۶/۶	۱۷/۴	۱۴/۵
سهم ۴۰٪ متوسط	۳۷/۹	۳۷/۶	۳۸/۱	۳۷/۵
سهم ۲۰٪ پردرآمد	۴۴/۲	۴۵/۸	۴۴/۵	۴۸
ج) نسبت ده درصد پردرآمد به ده درصد کم درآمد (فاصله طبقاتی)	۱۱/۲۵	۱۴/۵۳	۱۳/۱۶	۲۲/۸۷
د) سهم دهک اول (کم درآمدترین)	۲/۵	۲/۱	۲/۲	۱/۴
سهم دهک دوم	۴/۱	۳/۷	۴/۱	۳/۱
سهم دهک سوم	۵/۱	۴/۸	۵/۱	۴/۴
سهم دهک چهارم	۶/۲	۵/۹	۶	۵/۶
سهم دهک پنجم	۷/۳	۷/۱	۷	۶/۸
سهم دهک ششم	۸/۴	۸/۳	۸/۴	۸/۲
سهم دهک هفتم	۱۰	۱۰	۱۰/۲	۱۰
سهم دهک هشتم	۱۲/۲	۱۲/۱	۱۲/۴	۱۲/۳
سهم دهک نهم	۱۵/۷	۱۵/۸	۱۵/۱	۱۶/۱
سهم دهک دهم (پردرآمدترین)	۲۸/۵	۳۰	۲۹/۴	۳۱/۹
ه) اختلاف و فاصله درون طبقاتی (همگنی طبقات)				
نسبت بین دهک چهارم به دهک اول (۴۰٪ کم درآمد)	۲/۴۸	۲/۸۱	۲/۷۳	۴
نسبت بین دهک هشتم به دهک پنجم (۴۰٪ متوسط)	۱/۶۸	۱/۷۱	۱/۷۸	۱/۸۱
نسبت بین دهک دهم به دهک نهم (۲۰٪ پردرآمد)	۱/۸۲	۱/۹۲	۱/۹۵	۱/۹۹
و) نسبت هزینه مناطق شهری به مناطق روستایی	۱/۶۲۹	۱/۶۴۱		

مآخذ: محاسبه شده بر اساس اطلاعات دهک‌بندی شده هزینه ناخالص خانوار، از واحد اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران.

۳) فاصله طبقاتی و سهم دهکهای مختلف در سال ۱۳۷۳ که در مناطق شهری استان ده درصد پردرآمد جامعه ۱۱/۳ برابر ده درصد کم درآمد هزینه کرده‌اند، در مناطق روستایی ثروتمندان ۱۳/۲ برابر فقیران هزینه کرده‌اند. بنابراین، فاصله طبقاتی در مناطق شهری استان تهران کمتر از مناطق روستایی آن می‌باشد (جدول ۶ قسمت "ج"). فاصله طبقاتی در استان تهران، و به‌ویژه در مناطق روستایی آن، به مراتب کمتر از میانگین کل کشور می‌باشد.

توزیع سهم دهکهای مختلف از کل هزینه‌های ناخالص خانوار در مناطق شهری و روستایی استان تهران در سال ۱۳۷۳ تقریباً یکسان می‌باشد. یعنی مناطق شهری و روستایی از یک الگوی توزیع درآمد یکسان تبعیت می‌کنند و توزیع سهم دهکها در استان تهران نسبت به کل کشور عادلانه‌تر صورت گرفته است. بدین‌ترتیب، سهم دهکهای اول (کم‌درآمدها) در استان تهران بیشتر از میانگین کل کشور و سهم دهکهای آخر (پردرآمدها) استان تهران کمتر از میانگین کل کشور است (قسمت "د" جدول ۶).

۴) فاصله و اختلاف درون و بین طبقاتی (همگنی درون و بین طبقاتی): با توجه به بند "هـ" از جدول ۶، متوجه می‌شویم که طبقه متوسط جامعه شهری و روستایی استان تهران (۴۰٪ میانی) به‌طور نسبی همگن‌تر از دو طبقه دیگر بوده و در مناطق شهری دهک هشتم تنها ۱/۶۸ برابر دهک پنجم (حدّ بالا و پایین این طبقه) هزینه کرده است. در مرحله بعد، طبقه پردرآمد جامعه قرار دارد و بیشترین اختلاف درون طبقاتی در بین ۴۰٪ کم درآمد جامعه مشاهده می‌شود، که دهک چهارم در مناطق شهری ۲/۴۸ برابر دهک اول هزینه داشته است. به‌بیان دیگر، از لحاظ اختلاف درون طبقاتی ۴۰٪ کم درآمد پر اختلاف‌ترین گروه بوده و ۲۰٪ پر درآمد در مرحله بعد قرار دارند. از لحاظ اختلاف بین طبقاتی، به نظر می‌رسد که به طور نسبی، طبقه متوسط و پردرآمد همگن‌تر از طبقه متوسط و کم درآمد باشد. این موضوع در کل کشور با شدت بیشتری دیده می‌شود. به‌سخن دیگر، می‌توان گفت که طبقه متوسط و پردرآمد جوامع شهری و روستایی استان تهران و کل کشور در سال ۱۳۷۳ کمی با هم تشابه دارند، ولی این مطلب برای طبقه متوسط و کم درآمد چندان صادق نیست.

۵) فاصله بین مناطق شهری و روستایی: در سال ۱۳۷۳، نسبت هزینه متوسط خانوارهای شهری به خانوارهای روستایی ۱/۶۳ بوده است. یعنی به طور متوسط، خانوارهای شهری ۱/۶۳ برابر مناطق روستایی مصرف (هزینه) کرده‌اند. این نسبت برای کل کشور ۱/۶۴ می‌باشد. بدین‌سان

فاصله بین مناطق شهری و روستایی استان تهران با متوسط این فاصله در کل کشور تقریباً یکسان است. در مجموع، به نظر می‌رسد اختلاف فاحشی بین مناطق شهری و روستایی استان وجود ندارد.

۲-۲. بررسی ترکیب هزینه سرانه ناخالص خانوارهای شهری و روستایی استان تهران درسال ۱۳۷۳

در این قسمت، سهم اقلام عمده تشکیل دهنده هزینه ناخالص سرانه خانوارهای شهری و روستایی استان تهران برحسب مواد غذایی و خوراکی و مواد غیرخوراکی را بررسی می‌نماییم. در جدولهای ۷ و ۸، سهم هر یک از این اقلام نسبت به کل هزینه سرانه ناخالص را می‌بینید. سپس مقایسه‌ای بین سهم اقلام خوراکی و غیر خوراکی استان تهران و کل کشور انجام می‌دهیم.

الف) خانوارهای شهری استان تهران

به طور متوسط، هر نفر از افراد یک خانوار شهری استان تهران، در سال ۱۳۷۳، معادل ۲۵/۵٪ از کل هزینه خود را صرف موادغذایی و خوراکی و ۷۴/۵٪ را صرف مواد غیرخوراکی کرده است. در حالی که ده درصد کم‌درآمدترین افراد جامعه شهری ۳۵/۶٪ از هزینه خود را به مواد غذایی اختصاص داده‌اند، ده درصد ثروتمند تنها ۱۷/۵٪ هزینه‌شان مربوط به اقلام خوراکی و غذایی می‌شود (جدول ۷ و نمودار ۱). در واقع، از هر دهک به دهک بعدی متوسط درآمد افراد بیشتر می‌شود و در مقابل این افزایش درآمد افراد سهم کمتری از درآمدشان را خرج مواد غذایی می‌کنند. یعنی نیاز به مواد خوراکی و غذایی از حدی بیشتر نمی‌تواند باشد و بالأخره با بالا رفتن درآمد مصرف این مواد اشباع شده و مازاد درآمد صرف خرید سایر کالاها شود و میل نهایی به مصرف خانوارهای مرفه‌تر در مورد مواد غذایی به مراتب کمتر است.

همان طور که در جدول ۷ می‌بینید، در مناطق شهری استان تهران، سهم هزینه اقلام غیرخوراکی از ۶۴/۴٪ برای هر نفر از افراد دهک اول به ۸۲/۵٪ برای افراد دهک دهم می‌رسد. در بین موادغذایی و خوراکی، انواع گوشت، بیشترین سهم هزینه هر نفر از افراد خانوار را در دهکهای مختلف مناطق شهری به خود اختصاص می‌دهد. نان، آرد، رشته و فراورده‌های آنها رتبه دوم را در هزینه هر نفر داشته و میوه، سبزیها، شیر و فراورده‌های آن، رتبه‌های بعدی را دارند (نمودار ۳).

در بین مواد غیرخوراکی، بیشترین هزینه سرانه در تمام دهکهای مناطق شهری استان تهران، صرف هزینه مسکن می‌شود. البته افراد کم‌درآمد درصد بیشتری از مخارجشان را صرف هزینه‌های مسکن می‌کنند و هر چه به دهکهای آخر که افراد پردرآمدتر هستند نزدیک می‌شویم، این سهم کمتر می‌شود. در نهایت، در بین تمام اقلام خوراکی و غیرخوراکی مناطق شهری استان تهران، مسکن بیشترین هزینه را به خود اختصاص می‌دهد. برای دهکهای دوم تا هشتم، و در بین اقلام غیرخوراکی، هزینه پوشاک رتبه دوم و هزینه‌های حمل و نقل رتبه سوم را به خود اختصاص می‌دهند. در حالی که در دهک نهم هزینه حمل و نقل رتبه دوم و هزینه پوشاک رتبه سوم را دارد و در دهک دهم هزینه حمل و نقل و بهداشت و درمان دوم و سوم هستند (نمودار ۵). نکته جالب توجه، سهم هزینه‌های تحصیلی، آموزشی و مطالعه است، به طوری که از دهک اول تا پنجم، سهم این نوع هزینه‌ها، زیاد شده و از دهک ششم تا دهم سهم آن کم می‌شود، و درمجموع، سهم آن حتی از سهم نوشابه و موادغذایی آماده که هر نفر از افراد شهری در دهکهای مختلف صرف می‌کنند، کمتر است. به طور نسبی، افراد متوسط جامعه شهری استان تهران، توجه بیشتری به هزینه‌های تحصیلی و آموزشی نشان می‌دهند و کم‌درآمدترین و پردرآمدترین افراد توجه کمتری به هزینه‌های آموزشی، تحصیلی و مطالعه دارند.

ب) خانوارهای روستایی استان تهران

به طور متوسط، هر نفر از افراد مناطق روستایی استان تهران، در سال ۱۳۷۳ ، ۳۸/۶٪ از مخارج خود را به مواد خوراکی و ۶۱/۴٪ را به اقلام غیرخوراکی اختصاص داده است، یعنی به طور متوسط، در مناطق روستایی، مواد خوراکی سهم بیشتری از مناطق شهری دارد (جدول ۸).

در مناطق روستایی استان تهران نیز مانند مناطق شهری، دهکهای اول هزینه‌ای (همراه با نوسانهایی) سهم بیشتری را به مواد غذایی اختصاص داده و در مناطق روستایی این سهم به مراتب بیشتر از مناطق شهری است. در حالی که هر نفر از افراد اولین دهک در مناطق شهری ۳۵/۶٪ هزینه خود را صرف خوراک می‌کنند، در مناطق روستایی استان تهران هر نفر از افراد دهک اول ۴۶/۷٪ از هزینه خود را صرف مواد خوراکی می‌نمایند. سهم هزینه خوراک دهک اول تا نهم تفاوت کمی با هم دارند، در حالی که از سهم مواد خوراکی پردرآمدترین افراد مناطق روستایی به‌طور چشمگیری کاسته می‌شود (نمودار ۲).

جدول ۷. سهم هر یک از اقلام هزینه از مجموع هزینه سرانه به تفکیک دهکها در مناطق شهری استان تهران در سال ۱۳۷۳

نوع هزینه	متوسط	دهک ۱	دهک ۲	دهک ۳	دهک ۴	دهک ۵	دهک ۶	دهک ۷	دهک ۸	دهک ۹	دهک ۱۰
هزینه سرانه مواد خوراکی	۲۵/۴۷	۳۵/۶۳	۳۵/۳۰	۳۳/۸۵	۳۲/۹۳	۳۱/۵۲	۲۹/۸۶	۲۸/۸۲	۲۸/۴۶	۲۳/۴۳	۱۷/۵۰
نان و آرد	۴/۹۳	۶/۵۸	۶/۶۷	۶/۰۰	۶/۳۵	۶/۹۲	۵/۷۳	۵/۸۱	۵/۸۷	۴/۱۷	۳/۳۲
گوشت	۶/۰۴	۶/۷۲	۷/۳۷	۷/۶۱	۷/۵۸	۷/۱۵	۷/۰۸	۷/۰۳	۶/۷۹	۵/۸۷	۴/۳۲
شیر	۲/۷۰	۵/۰۸	۴/۷۱	۴/۲۷	۳/۸۶	۳/۷۲	۳/۲۸	۳/۰۱	۲/۸۳	۲/۲۴	۱/۵۸
میوه و سبزی	۳/۸۰	۶/۰۵	۵/۶۳	۵/۱۸	۵/۲۶	۴/۸۲	۴/۵۸	۴/۱۶	۴/۲۸	۳/۴۵	۲/۴۲
قند و شکر	۲/۲۷	۳/۵۵	۳/۳۲	۳/۱۵	۲/۸۱	۲/۸۴	۲/۴۸	۲/۷۳	۲/۵۶	۲/۱۲	۱/۴۸
نوشابه و غذای آماده	۲/۴۰	۲/۹۸	۳/۰۵	۳/۰۸	۲/۷۴	۲/۰۸	۲/۸۴	۲/۴۷	۲/۴۸	۲/۳۷	۲/۰۵
هزینه سرانه اقلام غیرخوراکی	۷۴/۵۳	۶۴/۳۷	۶۴/۷۰	۶۶/۱۵	۶۷/۰۷	۶۸/۴۸	۷۰/۱۴	۷۱/۱۸	۷۱/۵۴	۷۶/۵۷	۸۲/۵۰
پوشاک	۶/۲۰	۲/۴۲	۴/۲۳	۴/۹۶	۴/۴۴	۵/۱۲	۵/۸۹	۵/۹۷	۶/۱۸	۷/۷۷	۶/۷۹
مسکن	۳۵/۴۵	۴۰/۳۵	۳۸/۰۴	۳۷/۸۱	۳۸/۵۱	۳۷/۶۰	۳۶/۹۹	۳۶/۸۹	۱ ./۴۲	۳۴/۷۷	۳۲/۹۶
بهداشت و درمان	۵/۷۲	۲/۷۰	۲/۵۶	۲/۶۳	۲/۷۲	۳/۵۷	۳/۸۴	۳/۷۲	۴/۳۵	۵/۹۴	۹/۲۴
حمل و نقل	۸/۳۱	۳/۷۲	۳/۵۳	۳/۷۱	۴/۷۱	۴/۲۹	۵/۵۴	۵/۱۸	۵/۸۷	۸/۴۶	۱۳/۹۱
تحصیل و آموزش	۱/۸۲	۱/۶۷	۱/۸۴	۱/۸۳	۲/۰۲	۲/۰۲	۱/۸۸	۱/۹۷	۱/۹۲	۱/۹۲	۱/۶۱
جمع	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

توضیح : تمام زیربخشهای هزینه مواد خوراکی و غیرخوراکی در این جدول نیامده است.

مأخذ : واحد اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران.

جدول ۸. سهم هر یک از اقلام هزینه از مجموع هزینه سرانه به تفکیک دهکها در مناطق روستایی استان تهران در سال ۱۳۷۳

نوع هزینه	متوسط	دهک ۱	دهک ۲	دهک ۳	دهک ۴	دهک ۵	دهک ۶	دهک ۷	دهک ۸	دهک ۹	دهک ۱۰
هزینه سرانه مواد خوراکی	۳۸/۵۹	۴۶/۷۳	۴۲/۵۲	۴۸/۳۲	۴۵/۱۹	۴۲/۲۴	۴۵/۸۳	۴۳/۲۵	۴۰/۸۰	۳۸/۱۷	۲۹/۱۶
نان و آرد	۱۰/۰۷	۱۰/۷۸	۸/۹۷	۹/۶۵	۱۱/۰۸	۸/۷۹	۱۰/۴۲	۱۰/۴۹	۱۰/۱۳	۸/۸۲	۱۰/۶۵
گوشت	۷/۴۹	۷/۹۱	۸/۴۸	۸/۶۴	۸/۰۶	۸/۹۱	۷/۹۶	۹/۶۱	۸/۹۰	۸/۶۱	۴/۷۴
شیر	۳/۹۰	۵/۹۱	۵/۹۴	۶/۰۶	۵/۱۳	۴/۵۷	۵/۴۳	۴/۴۳	۴/۲۴	۳/۶۷	۲/۰۷
میوه و سبزی	۵/۰۵	۶/۲۵	۶/۴	۶/۳۵	۶/۶۴	۶/۴۹	۵/۹۴	۵/۷۰	۵/۶۶	۴/۹۳	۳/۲۳
قند و شکر	۳/۷۹	۵/۴۵	۴/۵۵	۵/۵۲	۴/۵۹	۴/۱۶	۵/۱۴	۴/۰۷	۴/۲۱	۴/۱۴	۲/۲۲
نوشابه و غذای آماده	۲/۹۰	۳/۵۷	۲/۸۲	۴/۳۸	۴/۰۷	۳/۴۸	۳/۹۶	۳/۳۹	۲/۴۰	۲/۲۹	۲/۲۶
هزینه سرانه اقلام غیرخوراکی	۶۱/۴۱	۵۳/۲۷	۵۷/۴۸	۵۱/۶۸	۵۴/۸۱	۵۷/۷۶	۵۴/۱۷	۵۶/۷۵	۵۹/۲۰	۶۱/۵۳	۷۰/۸۴
پوشاک	۸/۰۱	۲/۰۱	۱/۷۵	۲/۴۸	۴/۸۳	۶/۱۶	۷/۷۱	۷/۷۹	۱۰/۰۰	۹/۸۲	۹/۷۹
مسکن	۱۹/۵۰	۳۰/۹۲	۳۰/۶۵	۲۸/۷۱	۲۵/۲۶	۲۶/۰۹	۲۰/۹۲	۲۲/۷۲	۲۰/۳۳	۱۹/۰۴	۱۱/۲۶
بهداشت و درمان	۶/۷۷	۱/۳۴	۳/۵۹	۴/۲۰	۳/۱۷	۱/۷۰	۲/۴۶	۲/۵۹	۳/۷۰	۵/۱۸	۱۴/۶۳
حمل و نقل	۸/۵۱	۴/۸۳	۲/۸۰	۲/۷۴	۵/۱۶	۴/۵۶	۴/۰۲	۳/۷۹	۴/۶۹	۵/۵۱	۱۷/۹۵
تحصیل و آموزش	۰/۹۸	۱/۱۱	۱/۶۶	۰/۸۵	۱/۰۹	۱/۰۶	۱/۰۹	۱/۵۳	۰/۸۳	۰/۸۲	۰/۷۹
جمع	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

توضیح : تمام زیربخشهای هزینه مواد خوراکی و غیرخوراکی در این جدول نیامده است.

مأخذ : واحد اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران.

ترکیب هزینه‌های خوراکی مناطق روستایی با مناطق شهری استان تفاوت دارد. نان و آرد و رشته، بیشترین سهم را در هزینه‌های خوراکی دارد و گوشت ، میوه، سبزی، شیر و فراورده‌های آن، در مراتب بعدی قرار دارند (نمودار ۴).

سهم هزینه‌های غیرخوراکی مناطق روستایی از دهک اول تا دهم (به همراه نوسانهایی) روندی صعودی داشته است. در سال ۱۳۷۳، برای دهک اول تا نهم، هزینه‌های مسکن، بیشترین درصد را بین هزینه‌های غیرخوراکی و کل هزینه‌ها در مناطق روستایی دارا بوده است. اما دهک دهم، یعنی پردرآمدترین افراد، بیشترین سهم از هزینه‌های خود را به حمل و نقل اختصاص داده‌اند و هزینه‌های بهداشت ودرمان و مسکن در مراتب دوم و سوم قرار دارند. با توجه به ساختار زیربخشهای قسمت حمل و نقل، به نظر می‌رسد که شاید افراد دهک دهم (پردرآمدها) محل سکونت یا کارشان در شهرها بوده یا اینکه رفت و آمدهای زیادی به مناطق شهری استان تهران دارند، و در واقع، به نوعی، کار و درآمد این طبقه، مربوط به محیطهای شهری می‌شود (نمودار ۶).

در مجموع، به غیر از دهک اول و دهم، می‌توان گفت که در سال ۱۳۷۳، برای هر فرد روستایی استان تهران، پوشاک و حمل ونقل در رتبه دوم و سوم هزینه‌های غیرخوراکی قرار داشته‌اند. در مناطق روستایی هزینه تحصیل، آموزش و مطالعه سهم اندکی را به خود اختصاص داده، ولی با روندی که در مناطق شهری وجود دارد، همسان نیست. در مناطق روستایی، دهکهای دهم، نهم و هشتم، کمترین سهم از کل هزینه خود را برای تحصیل و آموزش قایل شده‌اند (حتی کمتر از یک درصد). نکته جالب توجه در مناطق روستایی استان تهران، این است که دهکهای دوم، هفتم و اول نسبت، به سایر دهکها، اهمیت بیشتری برای تحصیل آموزش قایل شده و سهم بیشتری برای این امر در نظر گرفته‌اند.

ج) مقایسه بین توزیع سهم هزینه سرانه خانوارهای شهری و روستایی استان تهران وکل کشور

در این بخش از پژوهش، می‌خواهیم بدانیم که هزینه سرانه خوراکی و غیرخوراکی استان تهران در دهکهای مختلف، در مجموع هزینه سرانه هر فرد، سهمی همانند کل کشور دارد یا نه ؟

طبق نمودار ۱، در مناطق شهری و طی سال ۱۳۷۳، در صد سهم اقلام خوراکی در هزینه هر فرد شهری در استان تهران، به مراتب کمتر از همین سهم برای کل کشور است. در حالی که به طور متوسط هر فرد تهرانی در مناطق شهری، ۲۵/۵٪ از کل هزینه خود را به مواد خوراکی اختصاص

داده است، در کل کشور، ۴۸٪ هزینه افراد ساکن شهرها به مواد خوراکی اختصاص دارد. در طول دهکهای مختلف نیز سهم اقلام خوراکی در استان تهران، دست‌کم ۲۰ درصد کمتر از سهم کل کشور است. درست عکس این مطلب برای سهم اقلام غیرخوراکی صادق است. یعنی در طول دهکهای مختلف سهم اقلام غیرخوراکی در هزینه ناخالص هر فرد شهری ساکن تهران حداقل ۲۰ درصد بیشتر از همین سهم برای کل کشور می‌باشد.

مطابق نمودار ۲ و همراه با نوسانهایی، همین مطلب در مورد مناطق روستایی استان تهران نیز راست می‌آید. یعنی سهم هزینه ناخالص اقلام خوراکی برای هر فرد روستایی در استان تهران، کمتر از همین سهم برای کل کشور است و اقلام غیرخوراکی در مناطق روستایی استان تهران، سهم بیشتری از کل کشور دارند.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان انتظار داشت که خانوارهای استان تهران، به‌ویژه در مناطق شهری، فارغ از مواد خوراکی، برای اقلام غیرخوراکی نیز اهمیت خاصی قایل هستند. در ضمن، الگوی مصرف حاکم بر مناطق شهری استان تهران با کل کشور متفاوت است.

گفتیم که هزینه اقلام خوراکی هر فرد در مناطق شهری استان تهران، دست‌کم ۲۰٪ کمتر از کل کشور است، و برعکس، اقلام غیرخوراکی در مناطق شهری استان تهران، دست‌کم ۲۰٪ بیشتر از متوسط کل کشور از کل هزینه‌ها سهم دارند. با توجه به نمودار ۷، متوجه می‌شویم که این اختلاف تا حدود زیادی متأثر از هزینه مسکن هر فرد در مناطق شهری استان تهران می‌باشد. در حالی که در کل کشور، به غیر از دهک اول، بین ۶ تا ۱۵ درصد از کل هزینه‌ها برای مسکن اختصاص یافته است. در استان تهران، به غیر از دهک اول، بین ۳۲ تا ۳۸ درصد از کل هزینه‌ها صرف تأمین مسکن می‌شود.

در مجموع، می‌توان گفت که الگوی مصرف در استان تهران با الگوی مصرف کل کشور تفاوت دارد و از ساختار جداگانه‌ای برخوردار است.

۳. جمعبندی و نتیجه گیری

۳-۱. روندها

طی دهه گذشته (۱۳۶۴-۱۳۷۳) بر اساس معیار ضریب جینی، وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان تهران و کل کشور بهبود یافته است. این وضعیت بهبود در استان تهران نمایانتر از کل

کشور می‌باشد.

طی دهه گذشته، از سهم ۲۰٪ پردرآمد جامعه کاسته شده و به سهم ۴۰٪ خانوارهای متوسط جامعه شهری استان تهران از متوسط کل هزینه جامعه اضافه شده است. وضعیت دهک اول جامعه شهری استان تهران طی دهه گذشته کمی بهبود یافته، و در همین مدت، طبقه متوسط رشد چشمگیری داشته است، که این رشد سریع، بیشتر به‌سبب رشد سریع سهم دهک هشتم از کل هزینه‌ها بوده است. در واقع، رشد طبقه متوسط جامعه شهری استان تهران، در مرزی که به طبقه پردرآمد جامعه نزدیک می‌باشد، رخ داده است. فاصله طبقاتی که نسبت بین هزینه دهک اول و دهم می‌باشد، طی دهه گذشته در مناطق شهری استان تهران کم شده است. این فاصله از میانگین کل کشور نیز کمتر است.

طی دهه گذشته، بهترین وضعیت توزیع درآمدی مربوط به سال ۱۳۷۱ بوده است. در سال ۱۳۷۲ که قیمتها رشد سریعی داشته و جامعه دچار حالت تورمی بوده وضعیت توزیع درآمدی به‌طور محسوسی در مناطق شهری استان تهران نسبت به سال پیش از آن بدتر شده است و چون سهم دهک دهم (پردرآمدها) از متوسط کل هزینه‌ها در این سال رشد چشمگیری دارد، می‌توان گفت که بیشترین بهره‌برداری از این وضعیت تورمی توسط پردرآمدترین خانوارها به‌عمل آمده است.

۳-۲. مناطق شهری و روستایی[1]

فاصله بین مناطق شهری و روستایی استان تهران در سال ۱۳۷۳ (که از نسبت بین هزینه متوسط خانوارهای شهری به روستایی به‌دست می‌آید) معادل ۱/۶۳ بوده، که به نظر می‌رسد تفاوت فاحشی بین این مناطق وجود ندارد.

در سال ۱۳۷۳، توزیع درآمد، بر اساس معیار ضریب جینی، در مناطق شهری و روستایی (به‌ویژه در مناطق روستایی) استان تهران بهتر از میانگین کل کشور می‌باشد. البته مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی از وضعیت بهتری برخوردار هستند.

طبقه پردرآمد (۲۰٪ بالا) جامعه شهری و روستایی استان تهران، در سال ۱۳۷۳، تقریباً با ۴۴

---

۱. نتایج این قسمت و قسمت بعدی، بر اساس اطلاعات دهک‌بندی شده هزینه ناخالص خانوارها که از مرکز اطلاع رسانی مرکز آمار ایران دریافت شده، به دست آمده است.

درصد از کل هزینه خانوارها، بیشترین سهم را داشته و طبقه غالب استان هستند. البته مناطق شهری و روستایی استان تهران در سال ۱۳۷۳ از الگوی مشابهی در توزیع سهم طبقات کم درآمد، متوسط و پردرآمد از کل هزینه‌ها، تبعیت کرده و نسبت به کل کشور توزیع بهتری دارند. در مورد توزیع سهم دهکهای مختلف نیز این مطلب صادق است.

فاصله طبقاتی (نسبت دهک دهم به اول) طی سال ۱۳۷۳ در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری استان است، و لیکن این فاصله، به‌ویژه در مناطق روستایی استان تهران، نسبت به کل کشور، از وضعیت بهتری برخوردار است.

از لحاظ اختلاف درون طبقاتی، ۴۰٪ کم درآمد جامعه، پر اختلاف‌ترین طبقه و ۲۰٪ پردرآمد در مرحله بعد قرار دارند و ۴۰٪ طبقه متوسط، به طور نسبی، کمترین اختلاف درون طبقاتی را دارند. از لحاظ اختلاف بین طبقاتی به نظر می‌رسد که به‌طور نسبی، طبقه پردرآمد و متوسط همگن‌تر از طبقه کم‌درآمد و متوسط باشد.

۳-۳. نتایج حاصل از بررسی دهکها در سال ۱۳۷۳

در مناطق شهری استان تهران، سهم موادغذایی از کل هزینه ناخالص هر فرد از دهک اول به دهم نزولی بوده، و گوشت، آرد و نان، میوه و سبزی از بیشترین اهمیت برخوردارند. در مناطق روستایی، همراه با نوسانهایی از سهم مواد خوراکی در کل هزینه هر فرد کاسته شده، و به‌ترتیب آرد و نان، گوشت، میوه و سبزی، شیر و فراورده‌های آن، بالاترین سهم را دارند.

سهم مواد غیرخوراکی در مناطق شهری استان تهران، از دهک اول به دهم روندی صعودی داشته و در مناطق روستایی نیز با نوسانهایی شاهد همین روند هستیم. در مناطق شهری، بیشترین سهم از مواد غیرخوراکی و تمام هزینه‌ها به مسکن اختصاص یافته و در مناطق روستایی نیز بجز در مورد دهک دهم، همین مطلب صادق است. البته روند آن از دهک اول به دهم در تمام مناطق نزولی است. پوشاک و حمل و نقل نیز تقریباً رتبه‌های بعدی را دارا هستند.

در مورد تحصیلات، آموزش و مطالعه، در مناطق شهری استان تهران، کمترین توجه و سهم متعلق به کم درآمدترین و پردرآمدترین افراد است، ولی در مناطق روستایی دهک اول و دوم بیشترین توجه را به آموزش وتحصیلات داشته‌اند.

با اینکه در سال ۱۳۷۳ در مناطق روستایی استان تهران، مواد غیرخوراکی، سهم بیشتری نسبت

به مواد خوراکی از کل هزینه هر فرد را به خود اختصاص داده‌اند، لیکن فاصله بین این سهمها نسبت به مناطق شهری کمتر است.

الگوی مصرف استان تهران، به‌ویژه در مناطق شهری، متفاوت از الگوی مصرف کل کشور بوده و سهم اقلام خوراکی در استان تهران کمتر از کل کشور و سهم اقلام غیرخوراکی به‌مراتب بیشتر می‌باشد. هزینه تأمین مسکن بر این موضوع تأثیر شایانی دارد.

در پایان این گزارش، وضعیت موجود توزیع درآمد در استان تهران را بدین شکل می‌توان ارائه کرد:

با توجه به نتایج آمارگیری انجام شده، وضعیت توزیع درآمد در استان تهران نسبتاً بهتر از کل کشور می‌باشد (این نکته، به‌ویژه در مورد مناطق روستایی نمایانتر است). دراستان تهران، فاصله بین قشرهای کم درآمد با قشرهای متوسط و پردرآمد جامعه، بسیار زیاد است. یعنی اقشار متوسط جامعه شهری و روستایی استان تهران، در سال ۱۳۷۳، وجوه مشترکی با پردرآمدها داشته‌اند، ولی فاصله زیادی با کم درآمدها دارند. پس به نظر می‌رسد که باید توجه خاصی به ۴۰٪ افراد کم درآمد جامعه مبذول شود. یعنی سیاستهای اتخاذی برای فقرزدایی در استان تهران باید با هدف کاهش فاصله بین قشرهای محروم و سایر قشرهای جامعه پیاده شود. همین امر باعث حرکت جامعه استان به سمت همگنی و ایجاد وضعیتی مطلوب می‌شود.

نمودار ۱. سهم اقلام خوراکی و غیرخوراکی از مجموع هزینه سرانه دهکهای مختلف مناطق شهری-۱۳۷۳

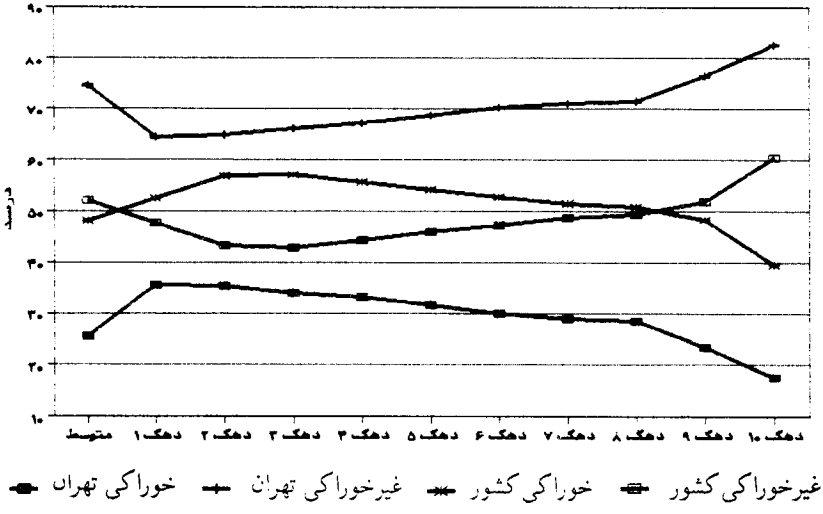

نمودار ۲. سهم اقلام خوراکی و غیرخوراکی از مجموع هزینه سرانه دهکهای مختلف مناطق روستایی-۱۳۷۳

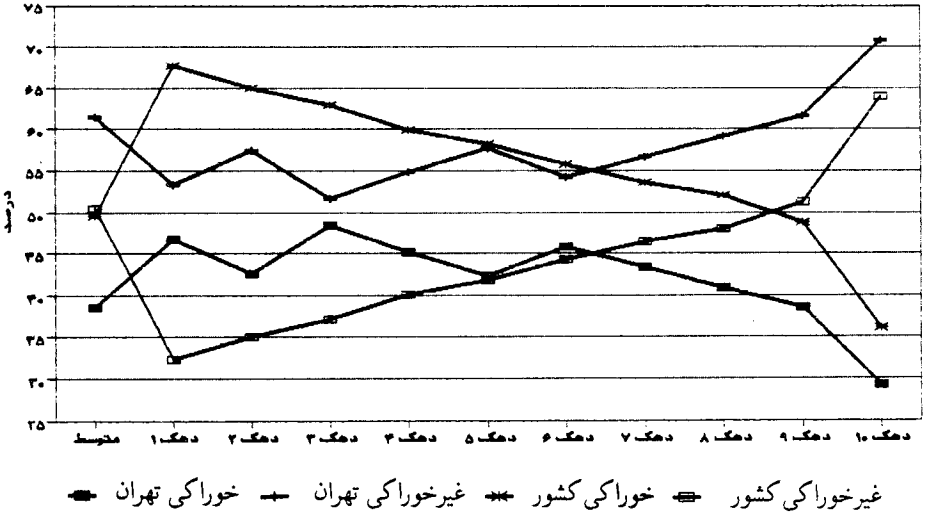

نمودار ۳. سهم اقلام عمده خوراکی از مجموع هزینه سرانه دهکهای مختلف مناطق شهری

استان تهران-۱۳۷۳

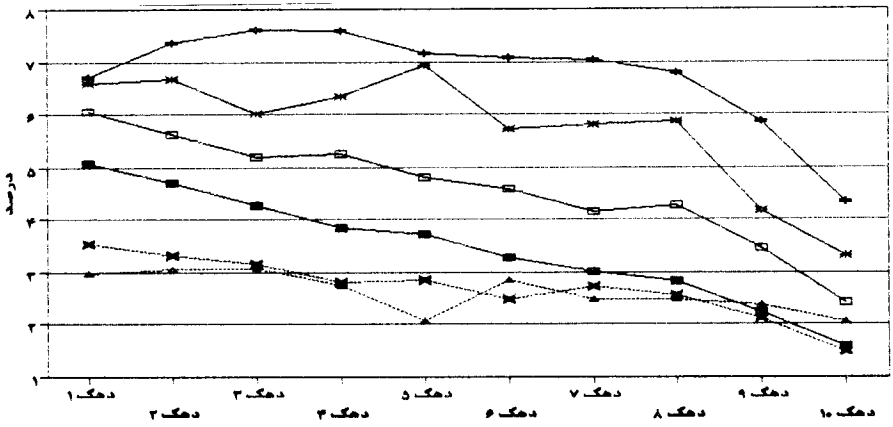

نمودار ۴. سهم اقلام عمده خوراکی از مجموع هزینه سرانه دهکهای مختلف مناطق روستایی

استان تهران-۱۳۷۳

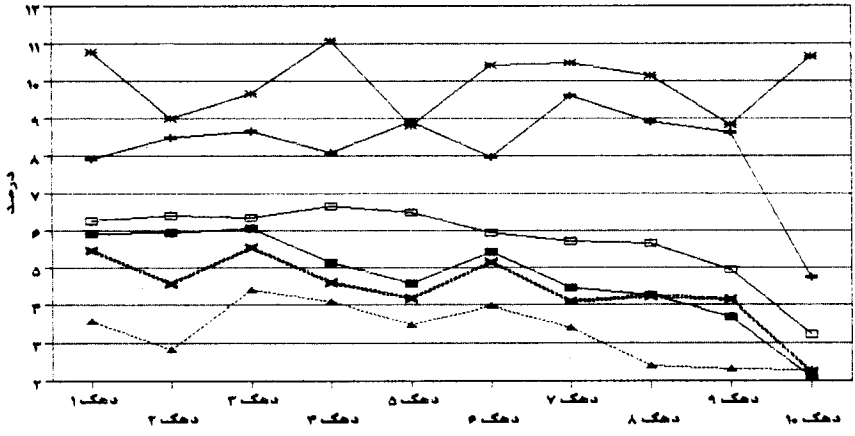

نمودار ۵. سهم اقلام عمده غیرخوراکی از مجموع هزینه سرانه دهکهای مختلف مناطق شهری استان تهران-۱۳۷۳

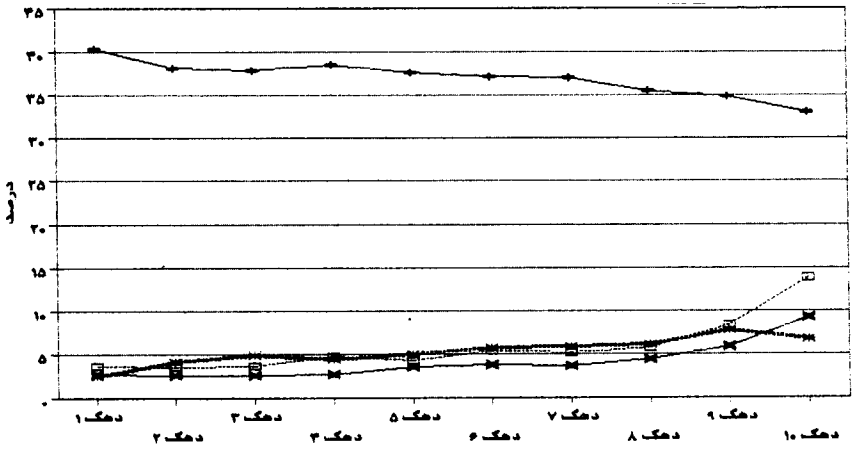

نمودار ۶. سهم اقلام عمده غیرخوراکی از مجموع هزینه سرانه دهکهای مختلف مناطق روستایی استان تهران-۱۳۷۳[۱]

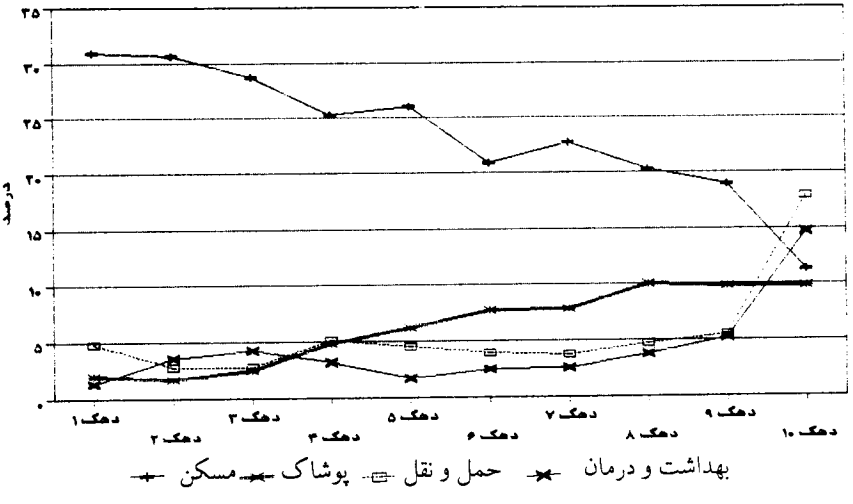

نمودار ۷. سهم هزینه مسکن از مجموع هزینه سرانه دهکهای مختلف مناطق شهری-۱۳۷۳

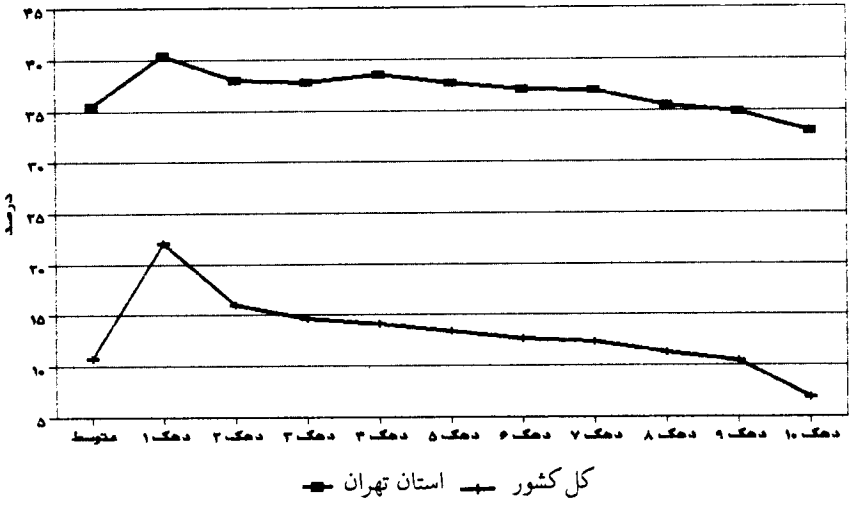

نمودار ۸. سهم هزینه مسکن از مجموع هزینه سرانه دهکهای مختلف مناطق روستایی-۱۳۷۳

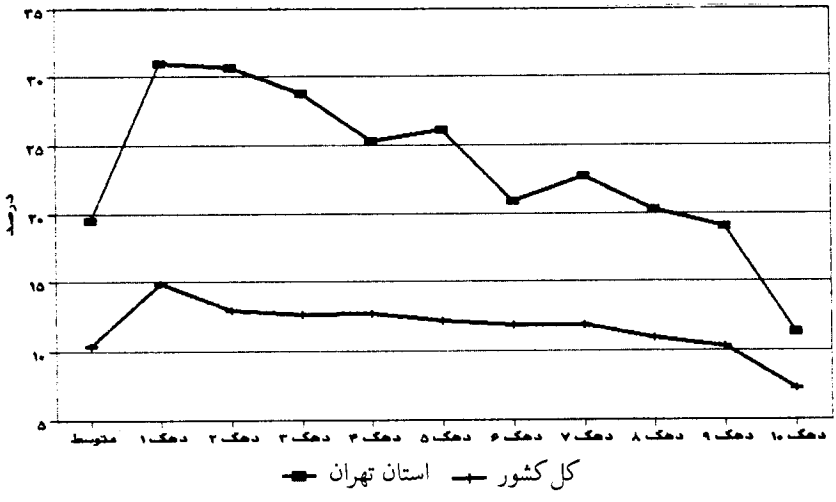

منابع

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳). *خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۲*.

مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). *نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۶۴*.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۱). *نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۰*.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۲). *نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۱*.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۳). *نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۲*.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۴ الف). *نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۳*.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۴ ب). *نتایج تفضیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۷۳*.